

۲۱۱۶۵-۱

گذری بر اندیشه های تام می ین و خواستگاهش مورفوسیس
«معمار برتر سال ۲۰۰۵»

تالیف:

محمدرضا مفیدی «پژوهشگر معماری»

www.ketab.ir

سرشناسه	مفیدی، محمدرضا، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	Mofidi, Mohammad Reza گذری بر اندیشه‌های تام می‌ین و خواستگاهش مورفوسیس «معمار برتر سال ۲۰۰۵»/تالیف محمدرضا مفیدی.
مشخصات نشر	تهران: کیان دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۴۴ص: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۵۸۰۹۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	مین، تام، ۱۹۴۴-م.
موضوع	Mayne, Thom, ۱۹۴۴-
موضوع	شرکت معماران مورفوسیس
موضوع	Morphosis Architects
موضوع	معماری جدید-- قرن ۲۰م.
موضوع	Architecture, Modern -- ۲۰th century
رده بندی کنگره	۷۸۷۳۷
رده بندی دیویی	۷۱۰۳۳
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۳۷

گذری بر اندیشه‌های تام می‌ین و خواستگاهش مورفوسیس «معمار برتر سال ۲۰۰۵»

تألیف:	محمدرضا مفیدی
ناشر:	کیان دانش
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۹
تیراژ:	۵۰
حروفچینی:	موسسه مهراد
امور گرافیکی:	www.instagram.com/honest.design
طراح جلد:	سحرمفیدی
ویراستار علمی:	زهرا نجفی کوره ورق
لیتوگرافی:	باختر
چاپخانه:	فرشیوه
صحافی:	روشنک
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۵۸۰۹۸-۱
قیمت:	۲۸۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این اثر برای مولفین محفوظ است

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب- روبروی درب اصلی دانشگاه تهران خیابان فخر رازی- پلاک ۸۵
تلفن: ۶۶۴۱۱۷۳۰

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۶	زندگی نامه تام می یی
۶	زندگی نامه کاری
۱۱	معماری عاملی ضروری است
۱۱	تعبیری از افسانه پسر بد
۱۲	می یی درباره می یی
۱۲	تام می یی درباره مورفوسیس
۱۳	طراحی به کمک فناوری
۱۳	مردم و معماری
۱۴	یجی دهه ی ۱۹۶۰
۱۵	مرکز علمی دکتر نتودور الکساندر
۱۸	هفت ادا سری هلقه کالترانز
۲۴	مرکز بندمظله هایبو-آلی آدریا
۳۰	خوابگاه دانشجویان دانشگاه تورنتو
۳۴	دبیرستان دیامو، رنج
۳۹	مرکز طراحی آاس یی
۴۳	برج خورشید
۴۵	منزل شخصی بلدز
۴۹	ساختمان اداری مراقبت - بهداشتی
۵۳	مرکز جامع سرطان سدارزسینایی
۵۶	ونیز III
۶۰	منزل لارنس
۶۴	مرکز سرگرمی دانشجویی دانشگاه سینیناتی
۷۱	مرکز عملیات ماهواره ای نووا
۷۳	ساختمان فدرال سان فرانسیسکو
۸۳	دادگاه واین لیمن موریس ایالت متحده
۹۰	مرکزی ورزشی سنترو
۹۳	موزه علوم و طبیعت پروت
۹۷	خانه شناور
۹۹	برج مالی شهر کازابلانکا
۱۰۱	کولون وان تلبرج تنها
۱۰۵	مرکز بلومبرگ در فناوری کورنل
۱۰۸	مجمع نابمن در فناوری لارنس
۱۱۲	کالج امرسون لس آنجلس
۱۱۹	نالار بیل و ملیندا گیتس

۱۳۵	مقر گروه تعاملی جیانت
۱۳۱	رستوران کیت مانتیلینی
۱۳۳	سیجونگ ام بی ریدج
۱۳۵	دفتر مرکزی انی در سن دوناتو میلان
۱۳۸	کوپر اسکور ۴۱
۱۴۴	منابع

www.ketab.ir

مقدمه

با اشتیاق برای یاد گرفتن، مستند و همراه در همکاری های گروهی. به نقل از خودش: جالب ترین بخش زندگی من این است که دفتر کارم با ارزش های شهرنشینی سر و کار دارد... این سطحی کاملاً متفاوت از مشارکت است که جایگاهی فراتر از مشارکت صوری (فرمال) دارد. آنچه صرفاً صوری باشد، ممکن است از بین برود. من می گویشم در مشارکت صوری، ایده های گسترده نمی را به وجود آورم. این کار می تواند روال معمول را کاملاً تغییر دهد... من در واقع دور کامل زده ام. فرصت هایی هم دارم که می توانم انواع مشارکت های خاص را به این بزرگوار، ماهیت برنامه و یا موقعیت شان در شهر به وجود آورم. این کار علناً سیاسی شده است. من معماری را به این می کشم که مستلزم پرس و جوست و با آن همراه است. معرک های چیزی منفعل یا تزیینی نیست. معماری عامل عصبانی است. معماری، مستقیماً و عمیقاً بر انسان تأثیر می گذارد. معماری دارای توانایی بالقوه برای تأثیرگذاری بر رفتارها و کیفیت زندگی روزمره است. هرگاه معماری با جریان های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و یا اخلاقی درآمیزد توانایی بالقوه ای برای دگرگون کردن شیوه نگرش به جهان و جایگاه انسان در آن می یابد. من که معمار جوانی بودم، برایم بلندپروازی مهم نبود.

من طرز فکری بسیار ساده و ناب درباره معماری داشتم. زمانی که این راه را آغاز کردم، بی سیاست و خادم بودم. من از روی علایق خود رفتار و حرکت می کردم و آن علایق بس دور از جهان واقعی بودند... به وجوی توانستم این حالت را تا نزدیک شدن به اواخر دهه سوم زندگی ام (تأخود سالی) حفظ کنم، و بر طراحی های و پروژه های کوچک متمرکز شوم. در همان حال معماری از فرهنگ شهرستانی - که از لحاظ جغرافیایی غالب بود - به فرهنگ جهانی تغییر یافت. در آن زمان به رمان «حضور»، اثر پرزی کوزینسکی خیلی علاقه داشتم. آن رمان کوتاه عمدتاً درباره هستی است

و به آدم این آگاهی را می دهد که ما در مقام معمار، در می یابیم در آن جهانی که جهان واقعی نامیده می شود، زندگی نمی کنیم و می فهمیم که در واقع داریم در قشر بندی یا دسته بندی ها به سر می بریم. من با توجه به سفارش های کار در اندازه معمولی و متوسط، تا نزدیک چهل سالگی از آن حالت خارج نشدم و به جهان واقعی پا نگذاشتم. آن وضعیت به نوعی امتداد دوران کودکی ام بود پیش می آید... زندگی در جهان مال خود و راحت... امروزه دانشجویان درست در محیطی کاملاً عکس آن زندگی می کنند. آن ها در دانشکده به سیاست واقعی کاملاً واقف اند و چنین می نمایند که مستقیماً به موفقیت توجه دارند، البته موفقیتی که بر اساس جهان خارج، یعنی در شرایط سرمایه داری، تعریف شده است. به پشت سرم که می نگرم می بینم که گویی ما از آن جان سالم به در برده ایم. ما در برابر آن شرایط حفظ شدیم. حال چه به دلیل ویژگی آن دوره که در تاریخ آمریکا دوره ای غیرعادی بود و صدای چپ بسیار قدرت داشت، و چه به دلیل حجم انتقاد از معمارانی که به آن شیوه کار می کردند؛ ما نوعی بیگانگی نهادینه شده داشتیم و این همان چیزی بود که ما به واقع در آرزوی آن به سر می بردیم. من هیچ سعی نکردم. ام که متفاوت باشم، هیچ علاقه ای به این موضوع نداشتم... کوشیده ام شخصی اصیل و واقعی باشم، به این به خوی این دو جهان یعنی جهان درونی و جهان بیرونی را یکی کنم، و این احتمالاً از دشوارترین کارها برای انسان است. اگر با پسران صحبت می کنم [نام من]، دو فرزندم [نام]، آن نخستین موضوع گفت و گو خواهد بود. چندی از پسران دشواری رشد و شکل گرفتن است. چگونه، آدم می تواند بخشی از اصالت فردی اش را حفظ کند. در حالی که در پی یافتن خود است. زیرا هیچ فرد اصیلی وجود ندارد. آدم خودش تاریخ خود را بنا می نهد و در ذهن خود زندگی می کند. او همان کسی است که اختراع می کند؛ و آن را با جهان تطبیق می دهد؛ به ویژه این جهان دشوار امروزی.